**مصاحبه با MSPrivateKabul050618**

**تاریخ 05 جون 2018**

**مصاحبه در اتاق صنایع و معدن افغانستان**

ک: وظیفه ی شما چیست در شرکت؟

MSPrivateKabul050618: مه رییس شرکت [نام شرکت] هستم و فعلا فعالیت مه که اس که ده بخش امپورت و اکسپورت و لوژستیک سپلای می کنیم. و حالی به اکسپورت هم شروع کردیم که حالی دو سال میشه که ما به هندوستان هم صادرات داریم.

ک: میوه ی خشک ره در اینجه باز پروسس هم می کنید؟

MSPrivateKabul050618: ما دو برنامه داریم. یکی خو یک برنامه در اینجه اس و یکی ده هند اس. از اینجه که اس تا یک اندازه پروسس میشه. باز بسیاری پروسس‌اش ره ما مجبور هستیم ده هند بکنیم.

ک: بیشتر پروسس ده هند میشه؟

MSPrivateKabul050618: بله.

ک: تعداد کارگر؟

MSPrivateKabul050618: فعلا خو اینجه در حدود یک 4، 5 نفر داریم. زیاد نداریم. و در اونجه در هندوستان هم نو شروع کرده ایم و مجبور یک 5، 6 نفر در اونجه هم بگیریم.

ک: چند سال میشه که شرکت فعال اس؟

MSPrivateKabul050618: شرکت خو [مکث] ما سابق در دیگر سکتورها کار می کردیم. و سکتور نو که اسپورت اس ره فعال ساختیم در حدود دو و نیم سال میشه. از 2016 به این طرف.

ک: کارگرهای که گفتید با شما کار می کنند دایمی هستن یا مقطعی؟

MSPrivateKabul050618: دو نفرشان که اس که ده دفتر کار می کنن و دایم می باشند. و این دیگه که اس این که برای پکنگ و این چیزها که صورت می گیره، به همو خاطر استخدام میشه [گویش پشتو]. ولی ما می خواهیم که این دوامدار باشه. یک جای نو حالی ساخته میشه که اگر او ره توانستیم بعد از عید کلان او شاید برای دایم همونجه باشه.

ک: تولید شرکت به چی شکل اس؟

MSPrivateKabul050618: کارهای میوه ی خشک بسیاری منول [manual] اس. توسط دست و توسط ... همو کلش سیستم رواجی [سیستم سنتی] شان اس. پاک میشه. زن ها جمع میشن و او ره پاک می کنن و پاک کاری میشه و پس یک چند نفر میباشه که او ره در پلاستیک بسته بندی میشه و در کارتن روان میشه طرف میدان هوایی که اکسپورت شوه.

ک: نرخ حد اوسط یک کالای تولیدی شما چقدر اس؟

MSPrivateKabul050618: فرق می کنه. میوه ی خشک تقریبا بسیار زیاد آیتم می باشه ده او. بادام اس، جلغوزه اس، کشمش اس، توت اس، شکرپاره اس، انجیر اس. تفاوت می کنه. میوه ی خشک قیمت هایشان بیخی فکس نمیباشه. فرق می کنه نظر به سیزن و نظر به تولید. و نظر به پرودکشن. یعنی او ثابت نیس. هر وقت میشه که پایین شوه، هر وقت میشه که بالا شوه. فعلا همین روزهای عید اس، بسیار همو قیمت های که سابق یا یک ماه پیش یا دو ماه بود، حالی بیخی متفاوت اس. فکر می کنیم در حدود 20-25 فیصد بالاتر شده. شاید بعد از عید همین پایینتر شوه. میوه ی خشک [به همین شکل] هیچ قیمت فکس نداره. نظر به دیماند و نظر به عرضه و تقاضا همو بالا و پایین میره.

ک: برای تولیدتان تقسیم اوقات هم دارید که مثلا بگویید در این سه ماه [فرضا] ما باید این قدر تولید داشته باشیم یا در شش ماه در نُه ماه یا در یک سال. یا این که به اساس سفارش که یک کسی سفارش میته؟

MSPrivateKabul050618: از ما که اس همین کمپنی اکسپورت ره نو شروع کرده ایم و سرمایه گذاری تا یک اندازه کردیم. دیگه هم می خواهیم که سرمایه گذاری کنیم. هنوز همی برای مه دقیق‌تر نیس. چون نظر به تقاضا اس. که ما اگه یک اوردر ره بگیریم از خارج به همو اندازه ما خوده چیز [عیار] می کنیم چون همین حول‌سیل [wholesale] اس. که اگه دیماند باشه تقاضا باشه از وندر [vendor] میشه که به همو سیستم خوده عیار بسازیم و به همو شکل صادرات داشته باشیم. هنوز به ریتل نرفتیم چون که در این سکتور دو سال، سه سال بسیار کم عرصه اس. باید یک چند سال دیگر هم سپری شوه که ما ببینیم که به چی اندازه و چقدر [...] مگر فعلا به همو [اندازه ای] که تقاضا می باشه به همو اندازه ما صادرات داریم.

ک: سرمایه ی اولیه شرکت: قرض بانک، شخصی، بودجه دولتی، ان.جی.او، اعضای جامعه قرض دادند؟

MSPrivateKabul050618: از ما از سابق [...] ما تجارت از سال 2008 به این طرف شروع کردیم. در ملل متحد 5 سال کار کردیم [قبلا]. یک اندازه سرمایه در حدود 20 هزار دالر در همو طول 5 سال ما به دست آوردیم از ملل متحد. که اونجه معاش داشتیم. از این به بعد می خواستیم که باید برای یک کسی کار پیدا کنیم دیگه. چون همو [کار در ملل متحد] تنها به مه کفایت می کرد و زندگی مه بهترتر بود. اما اگه ما می خواستیم که برای دیگرها هم یک فایده برسه. از همو خاطر ما از یو.ان.دی.پی قربانی دادیم [ایثارگری کردیم و ترک وظیفه گفتیم] و گفتم که باید یک شرکت داشته باشیم که کار کنیم دیگه. اولین سرمایه ام 20 هزار دالر بود وقتی که در 2008 دوبی رفتم مه. کار تکنولوژی معلوماتی ره شروع کردیم. اولین کمپنی به نام [نام کمپنی] بود. از همو به بعد شروع کردیم. اول خدمات ارایه می کردیم. چون او قدر سرمایه نداشتیم.

از این به بعد در صنعت داخل شدیم و اولین [شرکت ما] فابریکه ی چاپ داشتیم در 2009 و 2010. از او به بعد بعضی مشکلات هایی آمد که او ره مجبور شدیم بسته کنیم و ماشین ها هنوز همونجه است مگر سرپناه [قطع]

ک: این شرکت چاپ چند کارگر داشت؟

MSPrivateKabul050618: در حدود 15. 5 نفر در دفتر کار می کرد و 10 نفر در فابریکه اش کار می کرد که در سرک 11 تایمنی همو فابریکه ره داشتیم. مگر بدبختانه از او آن قدر خاطره ای خوبی نداریم. قرارداد کردیم مگر ما ره کشیدن دیگه که ما اینجه نمیتانیم. اگه نی سه قرارداد داشتیم. تا هنوز هم اسناد و ثبوت کل چیزهایشه داریم. بعد از 2 سال که در حدود 30 یا 40 هزار دالر در او سرمایه گذاری کردیم کلش چیزها ره ما متوقف ساختیم. صاحب خانه هم در خارج بود و خانه ی خوده فروخته بود و وکالت خط به یک کسی دیگر روان کرده بود و ما ره گفت که شما از اینجه برآیید. مجبور شدیم [که برآییم] و قسم خوردم که تا وقتی که جای نگیریم ما دیگه نمی خواهیم که کار صنعت ره پیش ببریم. ماشین های ره آوردیم پُشت میدان یک خانه داشتیم تا هنوز هم همونجه هستن ده یک کانتینر. که در پارک های صنعتی یک جای ره بگیریم. در [خنده] پارک های صنعتی هم بدبختانه یک جای ره گرفتیم و معلومات کافی نداشتیم [...] یک کسی گفت که همینجه یک دو جریب زمین اس. همو زمین یک زمین دعوایی و یک مشکلات و یک جنجال هایی [پیش کشید] که بیخی از صنعت بیخی [منصرف شدم]. حالی بسیاری وقت ها پارک صنعتی هم نمیرم.

ما یک برنامه ای داشتیم که در زندگی خیر ما به دیگرها برسه و ما هم رفتنی هستیم. همو چیزهایی که ما در ذهن داریم او باید به دیگرها هم ارایه کنیم و برای یک کسی دیگر هم کار پیدا شوه. که بی روزگاری و فقر کم شوه. مگر بدبختانه اونجه هم یک خاطره ی خوبی ندارم. سه چهار سال میشه که در جنجال اس و یگان دفعه فکر هم می کنم که خداوند ره میگیم که خداوند ما همو ره [زمین ره] برای خانه ی خود نگرفتیم [که به خود خانه آباد کنیم] ما می خواستیم که اونجه یک جای آباد شوه و برای یک پنج نفر و ده نفر ما کار ره پیدا کنیم. و همین طور یک اندازه نان بیایه و به دوست ها هم بیایه و اولادهایشان تحصیل کنه. با همین مفکوره.

و مجبور شدیم که پس طرف اکسپورت بیاییم. حالی اکسپورت ره هم می خواهیم که [...] ما ره مجبور ساخت [شرایط] که زیاد سرمایه گذاری در خارج کنیم و کم در اینجه. پیشتر هم برایتان گفتم که یک دفتر در مندوی گرفته ایم و اونجه حالی اکسپورت شروع کرده ایم. یک نفر، دو نفر مأمور ره استخدام کرده ایم که همو کلشان ما رسما بعد از عید همی اکسپورت ره ما می خواهیم انکشاف بتیم و یک اندازه اینجه کار شوه و پروسس شوه اما بسیاری کارها باید اونجه [در هند] صورت بگیرد.

ک: در اونجه چند نفر قرار اس استخدام کنید؟

MSPrivateKabul050618: در اونجه به اندازه ی زیاد باید سرمایه گذاری کنیم. از سیستم رواجی [سنتی][...] چون مه همین سکتورها ره که دیدیم امپورت و اکسپورت کلش رواجی اس [به شکل سنتی صورت می گیره]. صد سال پیش همو کارهایی که می کردیم امروز هم همو کار اس. و بسیار جگرخون هم میشیم که دنیا به کدام طرف میره و ما به او طرف نمیریم. صد سال پیش هم همو ره ده بوری [بوجی] می انداختیم و می بردیم به یگان مملکت های دیگه. و امروز هم همو حالت جریان داره. اگه زیاد تغییر خورده باشه یک 5 فیصد.

ک: شما هم به شکل سنتی سه سال میشه که صادر کرده اید؟

MSPrivateKabul050618: از ما خو 2 سال میشه [تصحیح] سه سال میشه. مگر 2 سال ما [تنها] اول دیدم [ملاحظه کردیم] چون کسی که در داخل وطن کار می کنه از کسی که در خارج کار می کنه متفاوت می باشه. باید از قوانین شان و همو سیستم های که او ممکلت داره باید به همو سیستم خوده عیار بسازه. پس دو سال ما ده یگان نمایش هایشان [نمایشگاه هایشان] اشتراک کردیم. که ببینیم که ما نو میریم و می خواستم که در اکسپورت یگان معلومات ها ره به دست بیاریم پس [به همین خاطر] هندوستان رفتیم وبا زبانشان هم می فهمیدیم. یک سال و دو سال [فقط] دیدیم. و شروع 2018 رفتیم که یک تصمیم بگیریم و او ره نهایی کنیم. و اونجه ستنگ [setting] روان اس و جوازها و چیزهایشان ره گرفتیم. انشاالله همین سیزن نو که شروع میشه بعد از عید کلان رسما کار ره که از اینجه از کریت شروع میشه مکمل کارتن و یگان چیزها ره که سرمایه گذاری کردیم و انتخاب کردیم، همراه دوست های که صادرات می کنن یک تعلق خوب جور کردیم، در بین او [در پهلوی او] مجبور شدیم یک دفتر بگیریم که یک دفتر داشته باشیم. که یکی در مندوی باشه که حد اقل ما قیمت ها ره بفهمیم. چون بالا و پایین میشه. و هر میوه ی خشک یک مندوی داره. بادام، کشمش، جلغوزه، ... یعنی کل مارکیت های میوه ی خشک در مندوی اس. مجبور شدیم که [یک دفتر گرفتیم] در اینجه ولی پرودکشن لاین باید در اونجه [در هند] آماده شوه.

ک: دلیلی که شما نخواستید پرودکشن لاین در افغانستان باشه، برعلاوه ی موانعی که یاد کردید، دیگه چی انگیزه ای باعث شد که شما تصمیم گرفتید ده هند شرکت تأسیس کنید؟

MSPrivateKabul050618: مشکلاتی که فعلا در افغانستان وجود داره بسیار زیاد اس. یکی خو شما در اینجه امن نیستید. هر کاری که می کنید چهار طرف مردم شما ره می بینه و خطر این اس که [...] خطر تنها صرف برای متشبث نیس، به فامیلشان هم اس. به آسانی تارگیت میشی. ده همو جاهای که شما گشت و گذر می کنید، تارگیت میشین و اختتاف میشن یا کشته میشین. و دوم فامیل تان هم تارگیت میشه. وقتی که خانه ساختید مردم متوجه میشه که این خانه ساخته [باید] پیسه داشته باشه. اولادهای تان در خطر اس.

دوم این که در اینجه مافیا حاکم اس. مافیایی که دیده نمیشه. ما تنها صرف دولت ره می بینیم و میگیم که فساد می کنه. ولی کس های که در همی چهار طرف ما می بینیم و خوده صنعتکار می گیرن، اینها هم یک تیکه‌دار هستن. که از قوم یا خویش یا از همو سکتوری که نمایندگی می کنن رقمی به [مقام] رسیده که نه می فهمه نه معلومات داره در باره این چیزها [موضوع کارش] ناحق این چوکی ره زیر کنترول خوده آورده، 5 سال میشه یا 10 سال میشه که در همو چوکی شیشته. نمی خواهه که بدیل شان بیایه و تغییرات در همو سکتور آورده شوه. و همی بدبختی افغانستان اس. اگه سر همی کار نکنن شاید همی صنعت و تجارت از حالی هم بد بدتر شوه.

ما که در چند سال رفتیم به هند و در یگان ممکلت های دیگر سفر داشتیم، یک فرصت خوب بود. ما چین رفته بودیم. بعدا هند رفتیم. ما [اول] می خواستیم که یک فابریکه ی جوس ره بسازیم. چون که ما مواد خام داشتیم اینجه. می خواستیم که یک فابریکه ی جوس ره بسازیم. ما برای [خرید] ماشینری رفته بودیم. یک چند روز که اونجه ماندیم چون هدف ما این بود که صنعت ما رُشد کنه [اما اونجه] مارکیتشان ره که دیدیم و مشتری هم زیاد یافتیم، امنیت اش هم خوب، خطر ره هم احساس نمی کردیم، و یگان سهولت های دیگر هم داشتند. به فامیلت. تصمیم بیخی تغییر شد که مه باید صادرات داشته باشم که اون چیز ره بیاریم اینجه [ببریم هند]. از هندوستان اول شروع کنیم و بعد اگه قانون هندوستان بهترتر باشه شاید ما او ره از اونجه ری-اکسپورت کنیم. از افغانستان [مستقیما] یک چیز ره به یک جای دیگر بردن خیلی مشکل اس. مگر این ره [میوه ی خشک] اگه تانستیم بیاریم اونجه [هند] اونجه امکانات اس، اونجه پکجنگ بهترتر اس. اونجه سکل-لیبر به آسانی پیدا میشه. و اونجه سهولت های زیاد داره. بحر داره [به بحر راه داره]. میشه که ما از طریق سی-پورت [sea port] این ره ما به یک ممکلت سومی و چهارمی هم انتقال بتیم.

ک: شرکت شال کدام اتحادیه ی تجاری اس؟

MSPrivateKabul050618: ما مسؤل ارتباطات پارک های صنعتی پل چرخی هم هستیم. دیگه ما ده اتاق صنایع و معدن که رییس جمهور نو ساخته هم هستیم [عضو هستیم].

ک: بعد از این که وارد کار تجارت شدید چی تغییراتی در زندگی فردی تان آمد. مثلا فعلا در وقت فراغت چی می کنید؟

MSPrivateKabul050618: بعد از وقت ما علاقه داریم که بازی کنیم. باز بدمینتن ره بسیار دوست داریم. ده خانه یک چیز هم یک میدان بدمینتن هم داریم که بسیار خُرد. در طول روز خو نمیتانم اما در طول شب همراه دوست ها یک پروگرامه جور می کنیم و شب می آیند در طول شب یک ساعت یا دو ساعت بازی می کنیم. در روزهای فرصت، در روزهای رخصتی، می خواهیم که همراه اولادهای خود باشیم و آنها ره هم ببریم به پارک و اینجاها که آنها هم ریفرش شوند.

ک: کتاب هم می خوانید؟

MSPrivateKabul050618: کتاب زیاد علاقه دارم. می خواهم که در بخش تجارت و صنعت. صنعت ره بسیار خوش داریم.

ک: تحصیلات در چی حد اس؟

MSPrivateKabul050618: مه فعلا MBA کدیم، اوپریشن منجمنت و نو یک ماستری دیگه ره شاید ده اوگست شروع کنم، انترنیشنل ریلیشن که او ره هم زیاد علاقه دارم.

ک: اطفال خصوصی میرن یا دولتی؟

MSPrivateKabul050618: خصوصی.

ک: کدام نقطه ی شهر؟

MSPrivateKabul050618: ناحیه ی دوازه، احمد شاه بابا مینه. همونجه زندگی می کنیم کتی فامیل.

ک: قبلا هم در همونجه زندگی می کردید؟

MSPrivateKabul050618: سابق در پاکستان بودیم، مهاجر بودیم. اونجه لیسانسه گرفتم و پس که آمدیم خانه در کابل نداشتیم باز در لب جرِ خیرخانه زندگی می کردیم.

ک: برای ایجاد شرکت روابطی که تأثیرگذار اس: اعضای فامیل، دوست ها، خویش و اقارب، اعضای جامعه، هم قومی؟ هم به شکل مالی و هم به شکل معلوماتی.

MSPrivateKabul050618: مه که بسیار خُرد بودیم علاقه داشتیم که یک تجارت داشته باشیم. وقتی که [در خُردی] وندوس ره انستال می کردم [در کمپیوتر] نام و نامِ کمپنی ره می خواست. باز مه نام خود و نام [نام شرکت] ره [حتا در همو وقت] می نوشتم چرا که علاقه داشتیم که همین جواز ره داشته باشیم. آخر همین جواز ره گرفتیم. اینجه علاقه زیاد داشتیم که در تجارت باید باشیم. اینجه خوب اس نسبت به دیگه کشورهای که مه دیدیم جواز گرفتن مشکل نیس. جواز گرفتن ده افغانستان خیلی ساده اس. آسان اس. و دوست ها ره می دیدیم و تشویق می شدیم که باید همین طور یک چیز داشته باشیم. خوب بود ساده بود. دوست ها هم همکاری می کنن.

ک: چند موتر دارید؟

MSPrivateKabul050618: سه موتر دارم.

ک: قبلا چند تا داشتید؟

MSPrivateKabul050618: هیچ نداشتیم. حالی هم یکی از خودم اس، یکی از برادرم و یکی هم در فامیل می باشه که پدرم استفاده می کنه.

ک: مودل هایشان چیست؟

MSPrivateKabul050618: بسیار ساده. از مه فوررنر اس فکر می کنم. دیگه یک کورولا.

ک: حج هم رفته اید؟

MSPrivateKabul050618: حج رفتیم ها.

ک: چند بار؟

MSPrivateKabul050618: یک دفعه.

ک: برای سفرهای تفریحی به کجاها خوش دارید سفر کنید؟

MSPrivateKabul050618: تفریحی تا به حال نرفتیم و نمی خواهم بروم. تجاری هر وقت که برنامه داشته باشم [...] باید [...] این پیسه از ما نیس از مملکت اس. باید بیجا مصرف نشه. هوتل بسیار کلان نمی خواهیم [نمی گیریم]. در 2 ستار یا 3 ستار و از این کرده پایین تر هم باشه خوبتر اس. چون ما می خواهیم که یک شب تیر کنیم. ما هر روز از فقر و گرسنگی می میریم. چی ضرورت اس که ما پیسه ی افغانستانه ببریم اونجه بیجای مصرف کنیم. و سفر که میداشته باشیم، تا هنوز هر مملکتی که رفتیم کوشش می کنیم که سفر بی معنا و بی مفهوم نباشه. کوشش می کنم که پیسه بیجا مصرف نشه. و پیسه باید دیگر هم کشیده نشه که چون فقر بالاتر میره. در برنامه های که ما رسما میریم می خواهیم اشتراک کنیم و از آن بیشتر یک چند روز در آن مملکت میباشیم که معلوماته بگیریم که چی قسم پیشرفت کده و ما چی قسم از این تجارب استفاده میتانیم.

ما یک برنامه داریم که او ره هم نو شروع کرده ایم، NEED، ،National Economic Empowerment and Development که در [نظر داریم] امپورت و اکسپورت بهترتر شوه. زراعت باید [...] کاری که ما می کنیم زراعت گفته نمیشه [کافی و معیاری نیس]. ما میگیم که مملکت زراعتی هستیم اما بدبختانه زراعت به همو اندازه ای که باید می بود نیس. SME بسیار علاقه داریم و زیاد کار کردیم. در هر مملکتی که رفتیم گشتیم که چی قسم باید صنعت محدود به اندستریل پارک نباشه و صنعت باید صدایش از خانه برآیه ده خانه کسی اگه دو تا اتاق هم داشته باشه باید یک اتاقه نصف کنه و در همی نصف یک اتاق یک ماشین خُرد ره بیاره و کار ره شروع کنه. اگه همین طور شوه این ممکلت ما طرقی می کنه. چهارم ماینز [Mines] که در افغانستان همین سورس که اس ماینز اس. باید همی به شکل منظم استخراج شوه و به افغان ها دوامدار کار پیدا شوه تا یک اندازه در افغانستان پروسس شوه و به خارج روان شوه. که از این بدبختی نجات پیدا کنیم.

ک: مسایل امنیتی تا چی حد بالای کار شما؟

MSPrivateKabul050618: امنیت بسیار تأثیرگذار اس. بدون امنیت ناممکن اس که کسی سرمایه گذاری کنه. سابق خوب بود. وقتی که در 2002 دوست های خارجی آمدند افغانستان تغییر کرد. مردم یک ذهنیت پیدا کرده اند که افغانستان به خیر طرف بهتری میره و بهتر میشه امنیت. و در سال های گذشته در سال های اولی 2003، 04، 05، بهترین سال ها بود. مثل این که از سر ما شروع می کردیم بعضی چیزها ره. بدبختانه بعد از 2012 به این طرف که می بینیم وضعیت چندان خوبی هم نیس و هر روز پس مردم جگرخون میشه و چلنج های خیلی زیاد داره افغانستان. و در همو سکتورهای که باید کار میشد بدبختانه در آنها کار نشده. در جاهای کلیدی که باید اساس افغانستانه جور می کرد. نشده و هنوز هم هر روز وضعیت ره که مه می بینیم از بد به بدتر میره. شاید آینده بهترتر شوه. ما نمیتانیم [...] اما همین وضعیت ره که ما می بینیم هیچ کسی روادار نیس که در اینجه سرمایه گذاری کنه. چلنج ها خیلی زیاد اس. مردم می ترسند. بسیار سابق پیسه خوده به دوبی بردند. حالی بسیاری شان در ترکیه می خواهند که سرمایه گذاری کنن.

ک: مستقیم بالای شما چطور؟ ناامنی؟ مواد خام، فروشات، و این ها؟

MSPrivateKabul050618: بسیار زیاد. خاطره ی بد از این داریم که [...] ما در 2009 و 2010 فابریکه ای داشتیم که قرارداد داشتیم ولی وقتی که به دولت رفتیم، دولت از 1398 تا 1393، ما برای 5 سال قرارداد داشتیم و اگر بعد از 5 سال همین کس نمی خواهه که کتی ما قرارداد تمدید کنه، ما از او هیچ پیسه هم نمی خواهیم. دو سال بعد وقتی که ما طرف دولت مراجعه کردیم که این نفر ناحق میگه [میگه خارج شوید]. در حالی که ما 5 سال قرارداد کرده ایم. همو [5 سال] زمان ره ما در نظر گرفته سرمایه گذاری کردیم. نمی خواهیم که این جای ره ایلا کنیم. اگه پیش از او ایلا کنیم باید همین مصارفی که ما کردیم باید به ما داده شوه. بدبختانه این دولت هیچ گوش نکرد. مه در حدود 40 تا 50 هزار دالر [...] ما ره [متهم کردند] که همین 1393 که نوشته شده ره ما خود نوشتیم. یک مسلمان پیدا نشد که بگویه که همین 1393 اس و برای 5 سال اس.

هر وقت هر جای تلیفون ره تبدیل می کنیم، موتر ره تبدیل می کنیم، مسیر خوده تبدیل می کنیم. تارگیت میشیم به آسانی، اختتاف هم شدیم و یگان چیزهای دیگه. طرف دولت هم که میریم میگه جورآمد کو دیگه، کتی شان جور بیا.

در خانه ی که ما زندگی می کنیم هر روز کتی پدرم میگم که چی ضرورت بود که همی خانه ره جور کردی. یک خانه ی ساده جور می کردی، سه یا چهار اتاق. اگه حالی هم به دل مه باشه میگم خانه ی خوده ایلا کنم در خانه ی کرایی زندگی کنیم. هر رقم مافیا حاکم است در اینجه. هیچ ممکن نیس که اینجه چی شوه [...] هر روز در یک مسیر رفته هم نمیتانی. تارگیت میشیم. اختتاف میشیم. ترور میشیم. کشته میشیم. همین چیزها اس. مشکلات امنیتی همین رقم زیاد اس ده افغانستان و دوست هایی هم که خارج رفته اند از مجبوریت رفته اند. چون می گویند که وقتش معلوم نیس که یک روز دو روز می آیند و پس میرند. اگه اینجه باشند اینجه بسیار جنجال هایی اس که هم برای تجار و هم به صنعتکار. ما مجبور و مکلف [هستیم] که این برنامه ره داریم. ما میگیم چی ضرور اس که یک چند بادی گارد بگیریم و تفنگ بگیریم [...] همی تفنگ این ممکلت ره برباد ساخته. ما هم همی ره بگیریم و این طرف و او طرف برویم. همین ره ما خوش نداریم و میگیم یک چند روز زندگی اس باید [...] اکه ترس از امنیت نباشه هیچ فکری هم نمی کنیم. یک چیز کلیدی که اس همو امنیت اس. اگه امنیت نباشه سرمایه گذاری بان که هیچ چیز کسی کرده نمیتانه.

ک: چند باب خانه دارید؟

MSPrivateKabul050618: ما فعلا در کابل دو خانه داریم.

ک: قبلا؟

MSPrivateKabul050618: هیچ نداشتیم.

ک: یک تصویری از دوست هایتان بتین؟

MSPrivateKabul050618: دوست هایی هستن که آنها در یگان دفاتر کار می کنن یا تجار هستن. یگان برنامه که جور می کنیم اونها می آیند و اونها هم جای دارند [مخصوص به همنشینی]. مأمور دولت هم هستن یا ده سکتور خصوصی هم هستن.

ک: تصمیم گیری متمرکز اس؟

MSPrivateKabul050618: بله ها.

ک: کارگرها معاش شان چند اس؟

MSPrivateKabul050618: معاش نورمال در افغانستان ما حدود 10 هزار مأمور عادی ره میتیم. و مأمور که باشه از 12 هزار به این طرف شروع میشه. فرق می کنه دیگه. کس های داریم که در حدود 20 هزار هم معاش می گیره. 12 هزار هم اس. 10 هزار هم اس.

ک: چی خدمات برعلاوه معاش؟

MSPrivateKabul050618: کارت موبایل و این چیزها داده میشه. در روزها عید یگان چیزهای اضافی برایشان داده میشه.

ک: نان؟

MSPrivateKabul050618: کسی ما شبانه فعلا کارگر نداریم. یعنی نان چاشت برایشان داده میشه و یگان چای.

ک: تصمیم گیرنده ها همه از افغانستان هستند؟

MSPrivateKabul050618: بله.

ک: در هند چی تعداد کارگر تصمیم دارید استخدام کنید؟

MSPrivateKabul050618: اونجه نو اس و در اونجه برنامه ی خیلی کلان پلان داریم. اونجه میشه بین 3 تا 5 مأمور باید داشته باشیم. اونجه کوشش می کنیم که خارجی کارمند باشه و داخلی هم باشه. زیاد افغان ها در هند هم زندگی می کنن.

ک: همراه دیگه شرکت های مشابه در ارتباط هستید؟

MSPrivateKabul050618: بله ما یک برنامه داشتیم در ماه گذشته در ماه اپریل. چون در هر جای که اس بالای افغان ها ظلم میشه. از طرف خارجی ها نمیشه. خود افغان کتی افغان یک مشکلی ایجاد می کنه. باز از همین خاطر ما می خواهیم که همکار باشیم. از همو خاطر ما می خواهیم که در اونجه یک افغانستان بزنس کونسل در هند جور شوه که در دیگه ممکلت ها هم ساخته شده که تجارهای و صادرکننده ها ساخته اند. می خواهیم که همین طور یک برنامه [نهاد] ما در هند هم داشته باشیم که خدای ناخواسته اگه کدام تاجر یا صادرکننده مشکلی داشته باشه به او مراجعه کنه.

ک: فروشات شما نقد اس ؟

MSPrivateKabul050618: اینجه بدبختانه در افغانستان در این سکتوری که ما آمده ایم صد فی صد نقد اس. در همو سکتوری که ما واردات می کنیم در او بسیاری شان هفته وار اس. سیستم اوگرایی اس.

ک: میوه ی خشکی که به دست می آورید در سالی چند تُن خریداری می کنید؟

MSPrivateKabul050618: او خو فعلا. مه پیشتر عرض کردم که [هنوز ما خریداری نکرده ایم]

ک: میوه های خشک ره از کجاها به دست می آورید؟

MSPrivateKabul050618: فعلا از ولایت های مختلف افغانستان به دست می آوریم. و تلاش داریم که مستقیم در ارتباط باشیم با دهقان و هم به دهقان یگان مشوره و این چیزهایی ره بتیم که مشتری ما و شما این چیز ره می خواهه. حالی ما از دیلر [dealer] ها می خریم که در هر سکتور فعالیت دارند یا سرمایه گذاری کرده اند. از این به بعد ما تصمیم داریم که این باید انکشاف پیدا کنه و ما مستقیما دسترسی پیدا کنیم به دهقان.

ک: تشکر!

MSPrivateKabul050618: تشکر از شما هم!